

# بازخوانی فرهنگ قرآن در مبارزه هلفمند خانواده‌ها با اسراف و تبذیر

زهرا بداعی  
 طایفه علوم دینی حوزه علمیه قم

### چکیده:

اسراف یکی از ردائل اخلاقی است که در قرآن کریم به معانی مختلف آمده است ، مشهورترین آیه ی قرآن درباره اسراف آیه ی ۳۱ سوره اعراف است که خداوند متعال فرموده: ( لا تسرفوا انه لایحب المسرفین )<sup>۱</sup> تفاوت اسراف و تبذیر ، وجوه و نظایر اسراف در لغت و اصطلاح ، تعریف اسراف و صور آن نهی از اسراف ، نقش مسرفان در ضایع نمودن حقوق دیگران ، فساد انگیزی مسرفان در زمین ، دور بودن مسرفان از عنایات و محبت خدا ، تبذیر و نهی از آن ، ارتباط تبذیر گران با شیاطین و مفسدان روی زمین و مصادیقی از اسراف و تبذیر همچون پرخوری از جمله مسائلی است که در این مقاله با عنایت به آیات قرآن کریم مورد توجه و بازخوانی قرار گرفته است

### کلید واژه:

اسراف ، تبذیر ، نتایج و پیامد های اسراف و تبذیر از منظر قرآن

### مقدمه:

اسراف و تبذیر از جمله اموری هستند که آثار محسوس و عینی دارند . اسراف که ضد ( میانه روی ) است در همه ی بعد ها ی کمی و کیفی زندگی و در سطوح مختلف تلاش های مادی در جریان است و تنها به خرج کردن و مصرف کردن و کیفیت و کمیت آن دو اختصاص ندارد ، بلکه بطور ضروری ( اصل مال و مالکیت را) پیش از آنکه به مرحله مصرف برسد نیز شامل می شود . بنابراین ، جمع تکاثری مال نیز گونه ای از اسراف است و بنابراین هر تجاوز از اندازه میانه ( اسراف ) است خواه کمیتی و مقداری باشد و خواه کیفیتی و اوصافی باشد . چه در کمیت و کیفیت مالکیت و چه در کمیت و کیفیت مصرف .

امام علی (ع) در تفسیر آیات قرآن پیرامون اسراف فرموده است ( کل مازاد علی الاقتصاد اسراف<sup>۲</sup> و ما فوق الکفاف اسراف )<sup>۳</sup> هرچه از حد میانه روی و صرفه جوئی بگذرید ، اسراف است و آنچه بیش از اندازه کفاف و بسندگی باشد اسراف است . قرآن کریم درباره مسرفان فرموده است : ( یفسدون و لا یصلحون ) فساد می کنند و اصلاح نمی کنند<sup>۴</sup> .

شود اسراف گویند . اسراف در قرآن به معنای از حد گذشتن در گناه و نافرمانی خداست ( کذ لک نجزی من اسرف و لم یومن بآیات ربه )<sup>۵</sup> یا به معنی از حد گذشتن از انفاق است ( اذا انفقوا لم یسرفوا )<sup>۶</sup> و یا به معنی زیاده روی در خوردن و مصرف کردن آنچه حلال است ( فکلوا و اشربوا و لا تسرفوا )<sup>۷</sup> و اگر به همراه حرف (فی) بیاید به دو معنا است الف ) افراط و زیاده روی در کاری ب) تفریط و تقصیر در عمل صالح و حق خداوند<sup>۸</sup>

تصرف انسان در مال خویش و به مصرف رساندن آن ، اگر افزون بر اندازه اعتدال و میانه روی و صرفه جوئی باشد ، ممنوع است و همین امر دلیل بر آن است که مصرف اسراف ، تصرف در حق دیگران است کما اینکه در مالکیت اسراف و تکاثری ، تصرف در حق دیگران است . و به همین دلیل حضرات معصومین (علیهم السلام) آن را حرام شمرده اند . در حدیث آمده است: ( المسرف یا کل مالیس له )<sup>۹</sup>

### ■ تعریف اسراف :

از گناهان که بر کبیره بودنش ، نص رسیده ، اسراف و تبطیر است<sup>۱۰</sup> اسراف گناهی کوچک نیست ، اسراف در اموال شخصی گناه و در بیت المال مسلمین گناهی بزرگتر است . اسراف همیشه و همه جا بر پیکره اخلاق و اقتصاد و سلامتی فرد و جامعه ضربه وارد می کند . عقل و وحی بر کاربرد امکانات در زمینه های مورد نیاز تأکید دارد و دور ریختن و هدر دادن و از بین بردن موارد لازم قابل استفاده را محکوم و ناپسندیده می داند .<sup>۱۱</sup>

اسراف علاوه بر مالکیت و مصرف تولید و واردات کالاها هم هست که موجبات نابسامانی اقتصادی و نابسامانی اجتماعی و از بین رفتن قسط ، عدل و داد می گردد.

در سوره اعراف می فرماید :

و بر عهده علما و مراجع دینی ، خطبا و وعاظ و مجموعه عناصر تبلیغی است که با اسراف و تبطیر به مبارزه بر خیزند و با مسرفان و بردگان مصرف بی حساب کارزار کنند و در تمامی مجالس جمعه و جماعات و نهاد منبر و کتاب و مجله به تبلیغ صرفه جوئی و میانه روی و نهی از اسراف و تبطیر بپردازند .

(بخورید و بیاشامید واز آنچه بر شما حلال شده ) ولی از حد نگذرانید به درستی که خداوند دوست نمی دارد تجاوز کنندگان را)<sup>۱۲</sup>

یعنی خداوند مسرفین را دشمن می دارد و بعضی از مسرفین فرموده اند : هر که را خدا دوست ندارد اهل عذاب است زیرا محبت خدا به یعنی رسانیدن ثواب است<sup>۱۳</sup> و نیز در سوره بنی اسرائیل می فرماید :

### ■ وجوه و نظایر اسراف :

اسراف نکن و مال خودت را پراکنده مساز ، به درستی که اسراف کنندگان برادران شیاطین هستند ( و در دوزخ با ایشان قرین اند ) و شیطان به پروردگارش در نعمت های پی پایان او سخت کفران کننده است)<sup>۱۴</sup>

اسراف در لغت به معنای تجاوز از میانه روی است و یا به معنای زیاده روی در آنچه خوردنش حلال است یا پرداختن به چیزی که با پرداختن به آن حق الله فراموش یا مغفول واقع شود یا هر آنچه در غیر طاعت خداوند مصرف

میانه روی موجب ثروت و بی نیازی می شود.<sup>۱۹</sup>

و نیز در سوره انعام آیه ۱۴۱، طه ۱۲۶ و غافر آیات ۳۴ و ۴۲ در این مورد (اسراف) ذکر شده است.

## کونز فصلنامه

■ معنی اسراف و انواع آن :

به معنی تجاوز از حد و زیاده روی کردن است و آن یا از جهت کمیت است که صرف کردن مال است و در موردی که سزاوار نیست و شرعاً یا عقلاً هر چند به مقدار درهمی باشد. ( که همان تبذیر است ) و یا از جهت کیفیت است و آن صرف کردن مال در موردی که سزاوار است لیکن بیشتر از آنچه شایسته است مانند اینکه لباسی به قیمت پانصد تومان بخرد و آنرا بپوشد در حالی که لباسی که لایق به حال و شأن اوست باید معادل صد تومان باشد ( که همان اسراف است )

حضرت امام صادق (ع) فرمودند : ( لباسی را که برای حفظ آبرو و پوشیدن در انظار خلق تهیه کرده ای ، آنرا در موقع کار کردن یا جاییکه مناسب پوشیدن آن نیست ، بپوشی اسراف است )<sup>۲۰</sup> و نیز می فرماید : ( اسراف آن است که انسان مالش را از بین ببرد و بدنش صدمه بزند (مثل سیگار کشیدن ) عرض شد پس اقتار چیست ؟ فرمود ؟ این است که غذایت نان و نمک باشد در صورتیکه قدرت داری غذای مناسبتری بخوری<sup>۲۱</sup> .

اسراف به حسب اشخاص و به اعتبار زمان هم مختلف است ، اسراف به اعتبار اشخاص از جهت شأن و شرف و صحت و مرض و جوانی و پیری و از جهت غنا و فقر و زیادی در آمد و کمی آن فرق می کند . امام صادق (ع) می فرماید : ( بسا تهیدستی که اسراف کننده تر از ثروتمند است. زیرا ثروتمند خرج می کند از آنچه به او داده و فقیر خرج می کند بی آنکه به او عطائی شده باشد )

حضرت امام صادق (ع) می فرماید : ( تقوای الهی پیشه کن ، اسراف نکن و بر خود هم سخت مگیر و میانه روی مایه استواری است و تبذیر همان اسراف است که خداوند درباره آن فرموده : تبذیر و زیاده روی نکن )<sup>۱۵</sup> و نیز فرموده : ( آیا گمان می کنی خدا به کسی که مال داده به سبب احترام اوست یا به کسی که نداده به واسطه پستی اوست نه چنین است بلکه مال ، مال خداست ، آنرا به عنوان امانت نزد شخصی قرار می دهد و اذن داده که به طور میانه روی از آن بخورد و بیاشامد و لباس بپوشد و ازدواج کند و بر مرکب سوار شود و زیادتی از آن مال را به فقرا برساند پس هر کس به این دستور رفتار کند ، آنچه را خورده و آشامیده و پوشیده ... تمام بر او حلال است و اگر چنین نکرده تمام بر او حرام است ، پس آیه شریفه را خواند که ( اسراف نکنید زیرا خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد )<sup>۱۶</sup>

در قرآن کریم آمده است :

( بندگان خدا آنها هستند که هر گاه مال خود را خرج می کنند اسراف نمی کنند و تنگ هم نمی گیرند و انفاقشان همیشه بین اسراف و بخل است )<sup>۱۷</sup>

از حضرت صادق (ع) فرمودند : ( کسی که مالش را به سبب اسراف تلف کرد و فقیر شد دعایش مستجاب نمی شود و چون بگوید خدایا به من مال ده حق تعالی می فرماید : آیا تو را با اقتصاد (میانه روی ) امر نکردم ) در واقع اسراف از کارهای شیطان است . امیر المومنین (ع) فرمودند: زیاده روی و اسراف را ترک کن زیرا بخشش اسراف کار مورد ستایش نیست و تنگدستی او هم مورد ترحم واقع نمی شود )<sup>۱۸</sup> و نیز امام صادق (ع) به عبید فرمود : اسراف و زیاد روی باعث فقر و تنگدستی می گردد و

بعضی از بی خردان به حضرت سجاد(ع) امام صادق و امام رضا(علیهم السلام) ایراد گرفتند که چرا شما لباس فاخر می پوشید در حالی که اجداد شما پیامبر(ص) و امیر المومنین(ع) چنین نمی پوشیدند؟ امام در جواب می فرماید: زمان آنان فقر عمومی بود و پوشش مناسب آن زمان همان بود که جد ما می پوشید ولی زمان ما زمان توسعه و گشادگی است و اگر بخواهیم مانند آنان بپوشیم، به ما توهین می کنند.<sup>۲۶</sup>

بنابراین بیشتر تکلفات و مسائل زندگی و معیشت که اکثر مردم به آن مبتلا هستند و هیچ ملاحظه شأن و مداخل خود را نمی کنند و غالباً مبتلا به قرض و پریشانی هستند اسراف است و سبب این است که هر کس همیشه به بالاتر از خودش می نگرد و می خواهد از او کمتر و پائین تر نباشد. در صورتی که اگر طبق دستور شرع به زیر دست نگاه می کردند، هیچ گاه مبتلا به اسراف و ناراحتی های فراوان نمی شدند.<sup>۲۲</sup>

■ اسراف که همیشه حرام است :

سه قسم اسراف که در همه جا و همه حالات حرام و اختصاص به شخص یا زمان یا جائی ندارد :

۱- ضایع کردن مال و بی فایده کردن آن هر چند آن مال کم باشد.<sup>۲۷</sup> مانند آبی که از آشامیدن اضافه آمده است، لباس کار و لباس بیرونی، یکی باشد، به دور انداختن هسته خرما پس از خوردن خرما، چون از هسته خرما مواد غذایی برای شتران تهیه می شد(حدیثی از امام صادق(ع) )<sup>۲۸</sup>. روشن کردن چراغ در مهتاب و جائی که روشن است، زراعت در زمین شوره زار، نیکی کردن به کسی که لایق آن نیست(حدیثی از پیامبر اکرم(ص))<sup>۲۹</sup> و نسبت به دور ریختن تتمه طعام خصوصاً خورده نان(مگر در صحرا برای حیوانات)<sup>۳۰</sup>.

۲- صرف کردن مال است در آنچه به بدن ضرر برساند، از خوردنی و آشامیدنی و غیره آنها<sup>۳۱</sup> مانند، خوردن چیزی بعد از سیری(حدیثی از پیامبر اکرم(ص)) جز این نیست که اسراف در چیزی است که باعث تلف مال شود و به بدن ضرر رساند و چیزی که باعث اصلاح بدن است اسراف نیست(بر گرفته از سخن امام صادق(ع)

امیر المومنین علی(ع) فرمودند: (حقیقت ایمان را کسی نمی چشد مگر در او سه خصلت باشد:

- ۱- دانستن احکام و مسائل دینی
- ۲- شکیبائی در گرفتاریها<sup>۳</sup> - اندازه گیری نیکو در مخارج زندگی<sup>۲۳</sup>

امام صادق(ع) می فرمایند:(اسراف کننده را سه نشانه است:چیزهائی را می خورد و می پوشد و می خورد که در شأن او نیست<sup>۲۴</sup>.

چنانکه به اعتبار اشخاص اسراف فرق می کند، به اعتبار زمان هم مختلف است. به عنوان مثال، معتب خادم امام صادق(ع)گوید: وقتی که در مدینه گرانی شد، امام از من پرسید: چه مقدار خوراکی(گندم و جو) داریم؟ گفتم: به مقداری که چندین ماه مصرف کنیم. فرمود: همه را ببر و بفروش. گفتم: در مدینه گندم و جو نایاب است فرمود: بفروش و چون فروختم امام فرمود: مانند سایر مردم برای مصرف منزل روز به روز خریداری کن و برای خوراک اهل منزل نصف گندم و نصف جو قرار ده و خدا می داند که من توانائی دارم که خوراک همه را نان گندم خالص تر قرار دهم لیکن دوست دارم که خداوند ببیند مرا که در اداره امور زندگی به نیکی رفتار کردم.<sup>۲۵</sup>

چنانکه نسبت به لباس هم همین است.

و در سوره هل اتی  
آیه ۸ می فرماید :

( می خوراند طعام  
را به دیگران در  
راه دوستی خداوند  
( یا با دوست  
داشتن آن طعام )

مسکین و یتیم و اسیر را ) این آیه در شأن  
حضرت امیر المومنین و فاطمه و حسن و  
حسین (علیهم السلام) و فضه است که سه  
روز روزه گرفتند و به آب افطار نمودند و  
نانهای خود را در راه خدا انفاق کردند .<sup>۳۷</sup>

■ باید همه جا میانه روی کرد :

در مقابل آیات و روایات قبل آیات و اخباری  
است که امر به اقتصاد و میانه روی در انفاق  
می کند . در آیه ۶۷ سوره فرقان می فرماید  
: بندگان خدا کسیانی هستند که هر گاه انفاق  
کنند زیاده روی نمی کنند و و امساک و بخل  
هم نمی ورزند بلکه به میانه روی انفاق می کنند  
<sup>۳۸</sup> . امام حسن عسکری (ع) فرمود : (سختی  
اندازگیری دارد ، چنانچه از آن بگذرد ، اسراف  
محسوب می شود) و امام کاظم (ع) می فرمایند  
: (یکی از لشگریان عقل ، میانه روی و یکی از  
لشگریان چهل زیاده روی است )<sup>۳۹</sup> .

جمع بین دو دسته آیات و اخبار قبل : درست  
است بین آیات و روایات تعارض وجود دارد اما  
حال به رفع این تعارض می پردازیم :

در کتاب تذکره نقل شده که صرف مال  
در راه خیر اگر از اندازه ای که لایق حال او  
باشد ، زیادتر شد اسراف است و از مشهور علما  
چنان که در کتاب مسالک است ، اسراف در  
خیر نیست . چنانچه در حدیث مشهور است  
( لاسرف فی الخیر کما لاخیر فی السرف )<sup>۴۰</sup>  
یعنی خیر در اسراف نیست و اسراف در خیر و  
راه خدا نیست و قول اول احوط است .

۳- صرف کردن مال در اموری که شرعاً  
حرام است مانند خریدن شراب و آلات قمار و  
اجرت فاحشه و خواننده و رشوه دادن به حکام  
و صرف نمودن مال در چیزی که ظلمی در بر  
دارد ، یا ستمی به مسلمانی می زند و نظیر  
این ها<sup>۳۲</sup> .

اسراف کنندگان کسانی هستند که  
محرمات (گناهان) را جایز می شمارند و دست  
به خونریزی می زنند (امام محمد باقر (ع) )  
کسی که مالی را در غیر طاعت پروردگار بذل  
و بخشش می نماید ، اسرافکار است و هر کسی  
که در راه خیر مصرف کند میانه روی کرده است  
( امام صادق (ع) )<sup>۳۳</sup> . طبق آیه ۶۷ سوره  
فرقان که امام باقر (ع) در مورد این آیه  
می فرمایند : ( بخشش در راه معصیت و تباه  
حق، اسراف است )<sup>۳۴</sup> .

آیا در خیر اسراف می آید :

زیاده روی در همه موارد بجز در کارهای  
نیک مورد نکوهش واقع شده است ( امام علی  
(ع) ) و دادن صدقه کوشش کن تا جائی که  
گمان بری اسراف کرده ای و حال آنکه اسراف  
نیست ( یعنی در صدقه دادن، اسراف معنا ندارد  
پیامبر اکرم (ص) )<sup>۳۵</sup> .

انفاق مال در راه خدا هر چند صاحب مال  
خودش سخت نیازمند باشد و به هر مقداری  
باشد ، هر چند تمام دارائیش را بدهد ، اسراف  
نیست بلکه مطلوب و مستحب است . مانند آیه  
شریفة

( ایثار می کنند انصار ، مهاجران را بر  
نفسهای خویش ، هر چند خودشان فقیر  
و محتاج به آن اموالند و هر کس نفس  
خود را از بخل نگاه دارد پس ایشان گروه  
رستگارتند) و امیر المومنین علی (ع)  
می فرمایند : (مقدم داشتن دیگران بر خود  
از بلندترین درجات ایمان است ) .

خوار و سبک می کند) ۴۵.

و بالجمله حسن انفاق در راه خدا هر چه و به هر اندازه باشد بدیهی است و در آن اسراف نیست مگر در صورتی که مستلزم ترک انفاق واجب باشد یا مورد اهمی در بین باشد یا اینکه مورد انفاق استحقاق آن مقدار نداشته باشد ۴۶.

### ■ اسراف در عقاید و اعمال :

اسراف در لغت به معنی تجاوز از حد و زیاده روی است ، بنابراین در امور اعتقادی و در تمام افعال و اعمال انسانی متصور است . اسراف در عقیده آن است که

۱- درباره خود یا دیگری چیزی را که دروغ و سزاوار نیست ، معتقد شود . مانند اعتقاد فرعون به ربوبیت خودش که گفت : برای شما غیر از خودم خدائی نمی شناسم ( سوره ۲۸، آیه ۳۸) و پروردگار عالم او را از سرزمین خود راند و فرمود : فرعون در زمین غلو کرد و به درستی که از اسراف کنندگان است ( سوره ۱۰، آیه ۸۳)

۲- یا این که آنچه را که سزاوار تصدیق و اعتقاد آن است باور نکند مانند اعتقاد به خدا و نبوت پیغمبران و امامت ائمه و معاد و غیره ۴۷ .

اسراف در افعال آن است که آنچه را که سزاوار نباشد بجای آورد یا آنچه سزاوار است بکنند، ترک نماید . چنانچه قوم لوط را که مرتکب اعمال زشت و قبیح لواط می شدند مُسرف خوانند و می فرماید : چز این نیست که شما از روی شهوت نزد مردان می روید و زنان را ترک می کنید بلکه شما گروه اسراف کنندگانید (اعراف ، ۸۱)

بلکه هر گناه فعلی یا قولی از انسان سر زند اسراف است و هر گناهکاری مُسرف است . و نیز بر مومنین است که در امور مباح هم سعی

پيامبر اکرم (ص) فرموده اند : ( هیچ نفقه ای نزد خدا دوست داشتنی از نفقه ای که از روی میانه روی باشد نیست و دشمن می دارد اسراف را مگر در حج )

اما به نظر مولف قول مشهور اقوی است و در خیر اسراف نیست یعنی اگر کسی برای خدا نه هوای نفس در موردی که دانسته شود رضای خداوند در انفاق است هر چه بدهد اسراف نیست هر چند تمام دارائیش را بدهد و آیات و روایاتی که دلالت بر حرمت اسراف و لزوم اقتصاد دارد به آن معارضه ندارد ۴۱.

و نیز طبق آیه ( و اتوا حقه یوم حصاده و لا تسرفوا ) محتمل است جمله ( و لا تسرفوا ان الله لایحب المسرفین ) جمله مستقل است به قرینه روایت وارده در تفسیر آن مراد آن است که در هنگام رسیدن زراعت تمام آن را انفاق کنند و عیال خود را محروم و معطل نماید و شکی در اسراف بودن این عمل نیست زیرا انفاق مستحب و تکفل عیال واجب و کسی که واجب النفقه خود را معطل گذارد و هر چه دارد انفاق کند البته معصیت کرده و خلاف رضای خدا را مرتکب شده است . بلی در صورتی که مطمئن باشد از طریق دیگر می تواند معیشت ایشان را تأمین نماید یا اینکه عیال او حق خود را اسقاط نماید و ایثار کردن و هر چه هست در راه خدا دادن صحیح است . ۴۲.

خلاصه این روایات ، ارشاد به مورد اهم است برای انفاق نه نهی از انفاق کلی ۴۳ . و اگر تمام دنیا را به مومن دانای با اخلاص دهند هیچ اسرافی نیست و اگر به کافری جرعه آبی داده شده خوف اسراف است چون احسان به او بی مورد است ۴۴ . امام علی (ع) فرمودند : (بخشش های بی جا بی مال و ثروت ، اسراف و زیاده روی محسوب می شود و بخشنده آن را در دنیا بالا می برد و در آخرت او را پائین می آورد ، او را در بین مردم بزرگ جلوه می دهد ، و نزد خدا

نمایند که اسراف نکنند مانند اسراف در خواب و بیداری و حرف زدن و خوردن ، و در حدیث آمده که ( خدا دشمن می دارد هر پر خور و پر خوابی را )<sup>۴۸</sup>.

امام کاظم (ع) می فرماید : ( خداوند ، ضایع کننده مال و زیاده روی در سوال را دشمن می دارد )<sup>۴۹</sup>.

### نتیجه:

با توجه به تعاریف و تعبیر قرآن کریم و روایات اسراف و تبذیر در مجموعه نیازها و تعاملات انسانی حرام بوده و انسان اسراف کار گناهکار و معصیت کار است . بر ما فرض است که در همه جوانب زندگی با تعادل و میانه روی فرهنگ قرآنی اعتدال و دوری از اسراف را نهادینه نمائیم .

### پی نوشت:

- ۱- اعراف ، آیه ۳۱
- ۲- غرر الحکم / ۲۳۸
- ۳- غرر الحکم / ۳۰۷
- ۴- طه، آیه ۱۲۷
- ۵- فرقان ، آیه ۶۷
- ۶- اعراف ، آیه ۳۱
- ۷- خرمشاهی ، بهاء الدین ، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی ، جلد اول ، ص ۱۱۲
- ۸- گناهان کبیره ، ج ۲، ص ۹۹ ، شهید محراب آیت الله دستغیب
- ۹- فروع حدیثی ، ص ۲۳۶ ، محمود شریفی
- ۱۰- سوره اعراف ، آیه ۲۹
- ۱۱- گناهان کبیره ، ج ۲، ص ۹۹
- ۱۲- سوره بنی اسرائیل ، آیه ۲۷
- ۱۳- فروع حدیثی ، ص ۲۴۰
- ۱۴- گناهان کبیره ، ج ۲، ص ۱۰۱ (سوره اعراف ، آیه ۳۱)
- ۱۵- فرقان ، آیه ۶۷
- ۱۶- گناهان کبیره ، ج ۲، ص ۱۰۳
- ۱۷- فروع حدیث ، ص ۲۴۵
- ۱۸- همان ، ص ۲۴۱
- ۱۹- گناهان کبیره ، ج ۲، ص ۱۰۳
- ۲۰- فروع حدیث ، ص ۲۲۷
- ۲۱- گناهان کبیره ، ج ۲، ص ۱۰۳
- ۲۲- همان
- ۲۳- فروع حدیث ، ص ۲۳۹
- ۲۴- فروع کافی کتاب التنبیه، ج ۵، ص ۱۶۶
- ۲۵- گناهان کبیره ، ج ۲، ص ۱۰۹
- ۲۶- همان ، ص ۱۱۱
- ۲۷- فروع حدیث ، ص ۲۳۸
- ۲۸- همان ، ص ۲۴۷
- ۲۹- گناهان کبیره ، ج ۲، ص ۱۱۰
- ۳۰- همان ، ص ۱۱۱
- ۳۱- گناهان کبیره ، ج ۲، ص ۱۱۱
- ۳۲- فروع حدیث ، ص ۲۴۸
- ۳۳- همان
- ۳۴- همان
- ۳۵- گناهان کبیره ، ج ۲، ص ۱۱۲
- ۳۶- همان ، ص ۱۱۳
- ۳۷- همان ، ص ۱۱۴
- ۳۸- فروع حدیث ، ص ۲۴۶
- ۳۹- گناهان کبیره ، ج ۲، ص ۱۱۳ و ص ۱۱۵
- ۴۰- همان
- ۴۱- همان ، ص ۱۱۷
- ۴۲- همان ، ص ۱۱۸
- ۴۳- فروع حدیث ، ص ۲۴۵
- ۴۴- گناهان کبیره ، ج ۲، ص ۱۱۹
- ۴۵- همان ، ص ۱۱۹
- ۴۶- همان ، ص ۱۲۰
- ۴۷- فروع حدیث ، ص ۲۴۴
- ۴۸- همان
- ۴۹- همان